

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۱ اکتوبر ۲۰۲۲

بازی اروپا با طالب و نظام ملاسلار!

دوشنبه - ۱۸ میزان ۱۴۰۱ - کابل: هرگاه به خبرها در روز های اخیر دقت نموده باشید، یکی از اخبار مهم داخلی و خارجی حنا سرخط خبرها، جولانهای متعددیست که "توماس نیکلسون" نماینده و فرستاده خاص اتحادیه اروپا در افغانستان می دهد. وی گاهی در این جولانها انتقاد های آبیکی و سرسری از طالب و نظام ملاسلار می نماید، زمانی مانند امروز اعلام می دارد که اتحادیه اروپا از مقاومت ضد طالب حمایت نظامی و سیاسی نمی کند، وقتی لازم بیند از بازگشائی مکاتب دختران و تشکیل حکومت فراگیر سخنانی به میان می اندازد و چنان وانمود می سازد که گویا اتحادیه اروپا می خواهد سرنوشت و آینده افغانستان و مردم آن را به "کف باکفایت!!" خودش گرفته دروازه های بهشت را بر روی ما بکشد. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- آنچه امروز به نام اتحادیه اروپا نامیده می شود در فرهنگ و اصطلاحات سیاسی گذشته هم به "امپریالیسم پیر" و هم به "امپریالیسم قاره" معروف بوده است. این قدرت امپریالیستی که بعد از جدا شدن انگلستان از آن به یک سه پایه "المان، فرانسه و ایتالیا" با تعدادی از گرسنه فقیرهایی که از یک سو چشم به جیب المان دوخته اند و از جانب دیگر ممثل اراده امپریالیسم امریکا در جهان هستند، روند زوال آن از ختم جنگ جهانی اول آغاز و با شکست فاشیسم هیتلری در جنگ جهانی دوم به یک شبه قدرت دنباله رو و مطیع سیاست های امریکا مبدل شد، از خود هیچ نوع صلاحیتی ندارد تا به حرفهای نماینده اش بتوان ارزشی قایل شد.

۲- اتحادیه اروپا حنا در زمانی که انگلستان نیز عضوی از آن به شمار می رفت، در مقابل سیاست های تجاوزگرانه، انحصار طلبانه و زورگویانه امپریالیسم امریکا ناتوان و فاقد استقلال و اختیار بود و توان و جرأت این را نداشت تا در مخالفت با سیاست های امپریالیسم امریکا اعتراض و مخالفت نماید که بزرگترین نمونه آن را می توان در مناسبات اوکراین و زیر پای نمودن توافقنامه "مینسک" بین روسیه، اوکراین، فرانسه و المان واضح و آشکار دید. بناءً گفته می توانیم که اروپائی که صلاحیت و توان آن را ندارد تا آتش داخل خانه اش را خاموش نماید و به مانند یک سگ وفادار ناگزیر است به دنبال صاحبش امپریالیسم امریکا حرکت نموده دم تکان دهد، نمی تواند در رابطه با افغانستان مصدر تغییرات و تحولات احتمالی مستقل به شمار آید.

۳- با حرکت از چنین واقعیتی می توان نتیجه گرفت که تمام تحرکات کنونی اروپا در افغانستان، حرکتی نیست که مستقلانه از جانب خود اروپا طرح و عملی گردد، بلکه هر آنچه را امروز اروپا به وسیله افرادش در افغانستان مطرح

می نماید و یا هم در صدد تحمل آن است بخش ها و قسمت هائی از یک سیاست کلی می باشد که امپریالیسم امریکا و
ظیفه انجام همان بخش را بر دوش آنها گذاشته است.

به زبان نظامی اگر گفته شود، می توان اروپا را در کل به مثابه قدامه لشکر امریکا و حتا نیروی کشف و تثبیت موقعیت
برای ارتش امریکا به شمار آورد.

۴- اما این که امریکا چرا به جای آن که خودش مستقیماً وارد میدان گردد، یک روز از پاکستان استفاده می نماید و روز
دیگر از اتحادیه اروپا می تواند دلایل متعددی را در قبال داشته باشد، از جمله هراس امریکا از تقابل مستقیم با ایران،
چین و روسیه در افغانستان، مسأله انتخابات ماه آینده در امریکا، مصروف ساختن اروپا در خارج از مرزهای اروپا که
ضمن خالی ساختن میدان برای یکه تازی های خودش، به نحوی امید سهم شدن در منافع خارج از اروپا برای
امپریالیسم پیر و ... نکاتی اند که باعث شده است تا وزارت خارجه امریکا و "سیا" به جای آن که کارهایشان را از
طریق "تام وست" نماینده خودشان به پیش ببرند، "توماس نیکلسون" را به بازی گرفته اند.

تنها چیزی که احتمالاً "توماس نیکلسون" در پی آن است، رسیدن به توافقاتی جهت جلوگیری از موج فرار از افغانستان
و تدارک بازگشت تعدادی از پناجویان افغانستان که تقاضای آنها در المان و بقیه کشورهای اروپائی رد شده است، به
کشور می باشد. این همان کاریست که المان در زمان امارت ملا عمر ۲۵ سال قبل انجام داد و فعلاً باز می خواهد با
دادن مقداری پول به نظام ملاسالار هموطنان ما را از المان و بقیه کشورهای اروپائی اخراج نمایند، تا جایی برای
مهمانان عزیز شان از اوکراین فراهم گردد.

هموطنان گرامی!

مسائل مربوط به افغانستان و معضلاتی که سر راه حاکمیت ملاسالار و توده های میلیونی کشور قرار دارد، هیچ گاهی
از جانب اتحادیه اروپا قابل حل نبوده و نیست. یعنی هرگاه اتحادیه اروپا بخواهد با نظام ملاسالار به توافق خاصی برسد
در صورتی که امپریالیسم امریکا آن را نپذیرد، اتحادیه اروپا قادر نیست سنگ را بالای سنگ بگذارد. معضلات و
مشکلاتی که مردم ما با آن دست به گریبان اند، تنها به مخالفت ها بین امپریالیسم امریکا با اتحادیه اروپا محدود نمانده،
به علاوه سایر قدرت های مداخله گر خارجی، نظام ملاسالار نیز مانع بزرگی در راه حل آن معضلات می باشد.

از همین رو برای آنهایی که می خواهند تغییراتی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و شیوه های حاکمیت در
افغانستان به وجود آورند، ضرور است تا به جای عطف توجه به کارکرد نمایندگان امپریالیسم چه "تام وست" باشد چه
"توماس نیکلسون"، می باید با اتکاء به نیروی خود در جهت تأمین وحدت مبارزاتی مردم و ایجاد سه سلاح خلق
شجاعانه حرکت نماید. کلید آزادی کشور و بهروزی مردم از زیر سلطه جنایتکارانه امپریالیسم و ارتجاع هار، چیزی به
جز وحدت رزمنده مردم و ایجاد سه سلاح خلق نیست.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!